

اعلامیه سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان بمناسبت روز شهیدان

برخاک افتاده اند یاد همه آنها جاودانگار است. یاد آنها فقط برانگیزنده امواج اند و نیست بلکه گستراننده در ریاسی امید است. یاد آنها یاد آرزوی عظیمها و آرزوی مبارزه خلسه است، گرامر استین این حقیقت است که خلق مروتب شدنی نیستا شکستجی نیست. سرزمین میخورم، گلرلبهاران میشود، گشته می شمار میدهد، خون بیدریغ نثار میکند، ولی از برای آید و هر سگ مبارزه را در مرحله ای عالی تر و پیاپی سبکتر از سراسر میگذرد، و آنفکولگه آخر انزالیک میکند و در جمعی پیروزی نهایی را برین افرازند اوست.

دادستان اسبق ارتش که دشمنان ایران لقب گرفت در سال ۱۳۳۸ احقانه و بیشرانه در اعلامیه آمد ام یکی از شهیدان نوشته بود: " اینها باید بمیرند تا سلطنت محمد رضا با امپراطوری محفوظ بماند." این اعترافی بود بر اینکه زندگی ملت ایران در مرگ سلطنت محمد رضا شاه است، و دولت ایران بد رستی آثار دریافت. جالب توجه است که هر چه از تاریخ ۴۸ مرداد ۱۳۳۲ دورتر میشود و دورتر سال های اخیر تعداد شهیدان افزایش می یابد.

تاریخ بیست ساله اخیر ایران جنبشی بوسعت جنبش های غربی ۱۳۴۲ با آن همه قربانی بیادند ارد. چینه های اعدا، ابلشگرها محمد رضا شاه می چکا مانند از سالیها و ماههای اخیر از شهیدان پد برای نکرده است. این امر نشان دهنده مبارزه است، گواهی سراسر میکی است که تکفیکار دیگری جز سرنیزه اند، و مظهر اراده خالق است که روز بروز راه اهرام آمیز مبارزه هم ترمیم میشد میروند.

شهیدان محمد رضا شاه منحصر به طبقه و قشر خاصی نیستند، کارگر، دهقان، روشنفکر، معلم، پزشک، دانشجو، دانش آموز، کارمند، پیشور، حقوقدان، کاسبکار، بقیه در صفحه ۲

خون های تازه شهیدان
خورشید های روشن برهان اند
روزگار امانی (۱۴ بهمن ۱۳۱۸) روزیاد کرد همه شهیدان است. روز شهیدان بنام ارامی افتتاح میشود زیرا ارامی سوسر سلسله راگشایان مبارزه بر ضد سلسله پهلوی است که رخصتترین چهره های است که در دوران پس از انقلاب مشروطیت و کودتای اسفند ۲۹۹۹ در عهد تشییع وقت ارتجاع ایران، در محوطه قدرت فاشیسم جهانی، درفش بیگرا برافراشت، بر تو مارکسیسم لنینیسم را بر ایران افکند، همین روزی حزب طبقه کارگر ایران در سبب زد، "نیروی ملی" و آفرینگی در نجبران را ستود، و رژیم پلیسی را رسوا کرد، و سیمای تپکبار فاشیسم را کسر مشق حکومت رضا شاه بود نشان داد، و از زندان و شکنجه و مرگ نهراسید و جان بر سر آمان خلق نهاد، زانی در محکمه رضاخانی گفت: "قانون اساسی ایران محصول انقلاب خونین این ملت است که برای تحصیل آن در هر گوشه از خون جوانان وطن لاله میدهد بود، و هزاران نفوس جهت تحصیل این چند ماده قانون قربانی شد... و باید بهمان ترتیب کتختصیل شده کامل گردد." در واقع ارامی در آن روز، درسی و چند سال پیش، بر روی بنویست ها که مبلخ امسال امتیاز بد با سخ گفت و با صهارت مارکسیست - لنینیستی پیش بینی کرد که انقلاب آید و ایران نیز از خون جوانان وطن آبیاری خواهد شد. آنچه از انسی آموخت و عمل کرد، الهام بخش نسل معاصر انقلابی است.

از روزگار ارامی تا امروز تعداد شهیدان سلسله پهلوی شمارش پذیر نیست. ده ها هزار مبارزان در ارتقا، در اعتراضات کارگری، در شورشهای دهقانی، در نمایش های دانشجویی، در دستگیرها، ارتش پلیس و سازمان امنیت، در بیفوله های قتل قلع و عویاغ، صهران و لشکر زری، در برابری های اعدا، در زیند و سلحانه

تظاهرات مخالفت با رژیم بخطوط پایداری از آن

ستایشگران رژیم شاه کاندید؟ نخست گروهی از روشنفکران خود فروخته و رفاقت نیکو که آشکارا روی پرده سیاست از دستم و ستگری و سیاست و تفکر و روشی مرد مواست مینهنی پر از اژده زبان و ظن خود را با خطا طرحا و موقاد را اختیار در رژیم خلق های ایران میگردد و در همین رافرتی و سیاها را سفید میخوانند. این گسروه آبرویا خترا همیشناستند، آنها خود ما هیت خیانتکار خویش را عرضه میدارند، و هر چه میشد بگویند و پیش بنویسند بر کوس رسواسی خود پیش میکنند. آخر چگونه میتوان در مرحله شهیدان در رژیم رافرتی میخوانند؟ و صب و لهن بر مراد خود خرید؟

گروه دلالان ایرانی امیرالیم شوروی همان نقش نیکوخواه هارا بازی میکنند منتها آن را در زیر پرده های آزادی و تزویر و در لافاه و فاع از تودهای مرد، در رشت الفاظ و جبار را تکویش فریبند و میوشانند آنها آرایش شاه، برزیبوی، حفظ و حراست شاه، رژیم وی را بشیوه دیگری انجام میدهند، مسئولیت ناپسمانی کشور و مراد بر ووش شاه ککرده اند و رژیم کنونی است، بلکه بر ووش مسئولین درجه دوم و سوم بگردند. گویا شاه از آن چند رسلتک میگردد و بیخبر است و این مسئولین امر اند که گویا "نیات ملوکانه" را بد رستی نمی فینند، و امور کشور را به پریشانی سوق میدهند، و مردم مستحو و امید آرند. در "رادیوی بیگ ایران" و در مطبوعات این گروه نامی از شاه برده نیستو گویا اساسا مسئولیتی متوجه و نیست. آنها با این شیوه میگویند توجه مردم را از سبب اصلی کیه "جنایات و خیانت ها بر گردانند و در پیروان شاه هالاهای از قدس بکشند.

از مدیترانه به خلیج فارس

بر میگردانند.
امپریالیست ها برای آنکه در صورت لزوم از لوله های نفت بد تیرا بی نیاز باشند افزایش میزان حمل نفت از طریق خلیج فارس را در نقشه خویش وارد کردند. سابقا نفت ایران از آبادان حمل میشد و چون وضع طبیعی آرند رود برای بارگیری کشتی های بزرگ مناسب نیست امپریالیست ها با خارج گزافی که در آخرین مرحله حساب دولت ایران نوشته میشود اسکله عظیم خارک را ساختند. نفت آبادان و بندر معشور وسیله لوله زکساران و از کان بندر گنا و بسه جزیره خارک میسر در آنجا با کشتی های پانصد هزار تنی به زاین و اروپا و سایر نقاط حمل میشود. تا وقتی که جزیره خارک مورد استفاد امپریالیست ها نبود اشرف آباد آنی داشت و زندانیان سیاسی که برای مرگ تد رجی بد انجام فرستاد میشدند از سبزی و میوه و گوشت از در اروپا شدت و بیژنک و آزیانی که از لوله های خورشید بگاهد محروم بودند در جراج شبهایشان ساحل فسفری خارک بود. ولی همینکه منافع امپریالیست ها اکتفا کرد خارک بصورت کارخانه عظیم صنعتی درآمد تا کشتی های تکرار یکر امپریالیست هارا از خون و ثروت خلق ماسیراب کند. جزیره خارک که باتا "سیاست خود گوشه ای از خاک کشورهای شریول امپریالیستی را بیاورد و بندر ریگ که در همسایگی او با کبدهای فروریخته، جاهای خشک و بخلستان بیمار و نزار، مردمان گرسنه و برهنه در آرزوی آبادانی میوزند، هر در محصول سیاست واحدی هستند، و در طرف یک عدال اند. در کشور استعمار زده "ما هر چه هست و نیست بخاطر امپریالیست ها متحد رضاشاه مبارها با لاف و زکافی بسیار از سیاست جزیره خارک و کشتی های پانصد هزار تنی آن صحبت کرد ما ت ولی همصدا نشند که خارک جزایا که از هاران امپریالیستی چیزی بگریز نیست. های امپریالیست ها امید دارند که با استفاده از سیاست خارک از لوله نفتی بد تیرا و نفت بد تیرا متا مدنی بی نیاز گردند. هم کسوس ۴ در بد نفت صرفی زاین و اروپا از خلیج فارس میگردد و در چند سال آید میزان بد کوره ۷۰ درصد خواهد رسید. نویسنده روزنامه لوموند بد رستی اظهار نظر بقیه در صفحه ۲

در رسال های اخیر حوزه مدیترانه ای انحصارهای نفتی امپریالیستی بصورت منطقه نامن و نامطلوب در آمده است. دولت الجزیره و دولت لیبی در مبارزه با کپانی ها در راس و دل صاحب نفت قرار آرند. ملی کردن شرکت های نفت و مبارزه شدیدی با سیاست امپریالیستی با روی باقیمت ها که الجزیره و لیبی در پیش گرفته اند، منافع امپریالیست هارا بریزد و حوزه مدیترانه سخت به خطر انداخته است. از طرف دیگر لوله های عظیمی که نفت عراق و عربستان سعودی را به مدیترانه تحویل میدهند از شدت و گسوه کشورهای متعدد دعبی، مانند لبنان، اردن، و سوریه میگردد و هر لحظه از آتش خشم و طغیان خلق های ضد امپریالیستی این کشورها در معرض تهدید است. انحصارهای نفتی از اینکمرخی از دولت عربی برای لوله های نفتی از خاک خویش حقوق بیشتری مطالبه میکنند برآشته اند. و همه این عوامل باعث شده است که از حوزه مدیترانه گریزان گردند.

امپریالیست ها بمنظور خنثی کردن ضربات دولت الجزیره و لیبی و اختراز از خطرانی که لوله های نفت را تهدید میکند از حوزه مدیترانه حوزه خلیج فارس روی آوردند. خلیج فارس بد تیرا قرارگاه امپریالیست ها است و نخبه رفتی آن از هم مجاری بیشتر و خارج استخراجش از هم مجا کتر است. ساحل شمالی خلیج فارس در دست یکی از اجزاکران و فارا استعمار است که با کت تائی نظامی ۱۹ میلیون دلاری و کمک آدم کشان سازمان امنیت برابر میگردد. نخست است و میتواند با مسان منافع امپریالیست ها باشد. افزایش میزان استخراج نفت ایران که هر بار با صحنه های ساختنی و "جنگ زرگری" محمد رضا شاه و انحصارهای نفتی صورت گرفت بخشی از نقشه های امپریالیست ها بود که میخواستند بر خاک رفت نفت استخراجی خویش بفرزیند تا در موقع خود بتوانند در برابر قطع نفت الجزیره و لیبی و سایر کشورهای درنده نفت آمادگی داشته باشند. در واقع نفت ایران (سالیانه بیش از ۱۹ میلیون تن) در دست امپریالیست ها بصورت وسیله ای علیه کشورهای دیگر بگرفته و میروند که همای جدی در راه احقاق حقوق خویش

اخیرا از طرف این گروهور نشکسته گنام "رهبری حزب توده ایران" برخورد مینهد، ادعا نامه علیه نظری رئیس سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) صادر شده که رادیوی بیگ ایران را به اطلاع شنوندگان خود رسانید. در این ادعا نامه از استان دیوان کشور خواسته شده است که نظری را بمناسبت جنایاتی که سازمان تحت مسئولیت او نسبت به مردم ایران مرتکب میشود به محاکمه بکشند و محکوم کند. در ضمن به استان دیوان کشور نیز هشدار میدهند که در صورت عدم اقد این کار در برابر مردم ایران مسئول شناخته خواهد شد.

یک آن تصور کنید: در استان دیوان کشور که خود در دست ساز امنیت موجود زمین و بیچاره است باید رئیس سازمان را که مستقیما با شاه سروکار دارد و منجمت و زیرهم با آنکه معاون اوست حساب پس نمیدهد. به محاکمه فرخوانند و بگیرد رسانند.

در هله اول اینطور بنظر میرسد که این ادعا نامه از طرف کسانی صادر شده که از هم مجا و هم چیز بخرانند، در عا لوه و یا سمر میرزند، یا با وضع ایران و جهان مانند سابق "نگرش کپانی" دارند. شاید این آقایان تجربه گذشته تاریخ را زیاد بردهند؟ بینید در گزارانی فقید در ادگاه تاریخی ۵۳ نغز از قوه قضائیه چگونه یاد میکند. او خطاب بقضات میگوید: شما اهمیت قوه قضائیه را تذلل داد. در آن رازیکی از شعب شهرداری قرار دادید... شما بجای آنکه شهرداری طبع او را بر شما باشد شما چیزی او امر آن هستید و سیاست از روی اخلی شهرداری هم هیگ ضعیف شما را مانند هلف در مقابل باد میبلانند... یکی از این اهمیت ترین ما "مورین" اداره "سیاسی که قبل از خود را مستطقی مینماید و من آنها را نامستطقی مینام گفت: "محکمه سگ که باشد بد و نجا و شهرداری کسی را برتر می محکوم کند... آیا اکنون وضع قوه قضائی طور دیگر است؟ آیا امروز سازمان امنیت بیش از شهرداری مختاری جریانات کشور از نظر نژاد، بیش از دوران که شرفتمسال مایشا نیست؟ نه، هر کس که اندکی بوضع ایران آشنائی داشته باشد بخوشی میداند و میفهمد که جنین ادعاهای بقیه در ص ۳

دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

امریکا - پلیس جهانی

شرح زیرین که عیناً از روزنامه لس-آنجلس مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۷۱ ترجمه میشود افشاگر شیوه های جدیدی است که امپریالیسم آمریکا در ایفا نقش پلیس جهانی بکار میبرد. در عین حال از ماهیت سازمان امنیت ایران بهره بر میگیرد. عنوان اصلی مقاله چنین است: "دکترین نیکسون و کسک به پلیس های خوارچینی".

رهبران آمریکا که در فرصتی تکرار می کنند که تصمیم گرفته اند دیگر زاندارم جهانی نباشند روزی بیشتر به سازمان دادن پلیس کشورهای دیگر، به پرورش آن و تقویت مالی آن مشغول اند. قسمت مهم این "کک قتی" بوسیله "کک قتی" از "آوانس توسعه بین المللی" می باشد و بوسیله فرهنگستان بین المللی پلیس "بعل می آید و این هردو موسسه در ۱۹۶۲-۱۹۶۳ بدست گذاری بنیاد گذاری شده اند. در آغاز صحبت از آن بود که بطور عمده به تحکیم رژیم های "دوست" در آمریکا لاین کک شود (و فرهنگستان مذکور در اول فرهنگستان پلیس قاره آمریکا نامیده میشود) ولی اینک فعالیت مذکور بر سی و یک کشور شامل گشته است و دوسوم بودجه این کک در سال مالی ۱۹۷۱-۱۹۷۲ به آسیای جنوب شرقی خواهد رسید. سلما رویوم رفته ۱۱۰ هزار پلیس در سراسر جهان بظرف یا غیر مستقیم با... و یا "فرهنگستان بین المللی پلیس" "سرکار دارند". فرهنگستان مذکور از سال ۱۹۶۲ تا ازنویس ۱۹۷۰ قریب سه هزار و پانصد کارشناس حفظ نظم تربیت کرده است. بیش از دو هزار نفر دیگر در موسسات مختلف آمریکا که متخصص مراقبت اعالی هستند آموزش و پرورش دیده اند اخیراً وزارت خارجه آمریکا نطقی را که آقای الکسیس جونسون، معاون امور سیاسی آن وزارتخانه روز ۱۳ اوت در "فرهنگستان بین المللی پلیس" ایراد کرده منتشر ساخته است. بعتقده آقای جونسون که خود در تأسیس این مدرسه شرکت داشته "فرهنگستان بین المللی پلیس" تجسم افکار نظریات آقای نیکسون رئیس جمهور آمریکا است. وی میگوید: "دکترین نیکسون بار دیگر این نکته را تأکید میکند که کشورهای دریافت کننده کک باید خودشان به بهبود کار خویش کک برسانند". وی همچنین میگوید: "تحت های مختلف باید از خود دفاع کنند و پلیس باید نقش بزرگی ایفا" کند. "پلیس" بازرترین مظهر اقدام دولتی است. "زیرا که دولت" در وظیفه مهم دارد: "حفظ نظم و دفاع از جان و مال". "طبیعتاً پلیس باید اولین کسی باشد که مسائل مربوط به نظم داخلی را حل کند و اولین کسی باشد که علامت ناراضماندی مردم را برآید".

آقای جونسون با زهم اظهار داشته است: "اینکه دولتی بوسیله زور سرنگون شود و اقلیت کوچکی از فعالان اجتماعی بر سر کار بیایند پدیده تازه ای نیست. پدیده تازه اینست که این گونه کارها را بتوان از خارج ترفیض و پشتیبانی و نظارت کرد".

بسیاری از نمایندگان آمریکا و از آن جمله سناتور جرج کک به پلیس رژیم های دیکتاتوری را شدیداً محکوم ساخته اند. ولی مخالفان آنها بر اهمیت این کک و بر اینکه کارشناسان پلیس آمریکا "از جنگ های بلیوی تا کوهستان" های پربرفی ایران "در معرض خطراند تکیه می کنند. کسک آمریکا به پلیس های ممالک دیگر در خاورمیانه، در آفریقا، در آمریکای لاتین و طبیعتاً در جنوب شرق آسیا احساس میشود. در هنگامی که برنامه "وینتامی کردن" سرعت انجام میگیرد ایجاد دستگاه عظیم و موثر پلیس در وینتامی جنوبی، بصورت هدف مهم و اثباتکننده در آمده است. همه کمیته اند که عملیات موسوم به مستدرک تحت عنوان "ایجاد آرامش" صورت گرفت چه دامنه وسیعی داشت. در طی این عملیات فقط در سال ۱۹۷۰ ۱۵۳۰۰۰ نفر بازداشت شدند و چندین ده هزار نفر از دهقانان از سال ۱۹۶۸ بعد در شرایطی که در خود آمریکانیز محکوم شد بقتل رسیدند. آمریکائیان باید در سال مالی جاری به ۱۲۴ هزار پلیس کک برسانند و آموزش ببینند (برنامه ای که ۱۸۰۰۰ دلار خرج برمیآورد) و نیز باید مخارج ساختن و یا تجدید ساختمان زندانهای را بپردازند که هم اکنون قریب ۳۵۰۰۰ جا دارد. آمریکائیان در تایلند بر مسای خود می افزایند (یعنی ۹ میلیون دلار خرج میکنند) تا بتوانند علاوه بر هدف های دیگر به ساختن ۱۰۰۰ پست پلیس ناقل آیند. در آفوس نیز تقدم با حفظ نظم است و هدف های از پلیس-

های آنجا در تایلند تربیت شده اند. ولی کک آمریکا منحصر به تربیت کارشناسان و افسران نیست. مهمات بسیار مدرن - وسائل مخابراتی اسلحه و وسائل حمل و نقل و غیره - نیز تحویل میدهد. از طرف دیگر نمیتوان مبالغی را که آمریکا میپردازد دقیقاً معین کرد زیرا که مسلماً بخش از بودجه وزارت جنگ آمریکا مصرف نیروهای پلیس و یا شبیه پلیس است. در هر حال مبلغی که "آوانس توسعه بین المللی" و وزارت دفاع آمریکا در سال ۱۹۷۱-۱۹۷۲ باین منظور در وینتامی خرج خواهند کرد مجموعاً سه برابر سال ۱۹۷۰ است بنا بر نوشته روزنامه نیویورک تایمز یک مقام عالی رتبه "آوانس توسعه بین المللی" اظهار داشته است: "آمریکا بصورت پلیس جهانی، بمنحالی کاملاً قبیح این گامه، در می آید". این شیوه های مداخله البته از شیوه اعزاز از تن کم خرج تر است و کمتر چشم بخورد ولی جزئی از همان استراتژی حفظ نظم است

برنامه فرهنگی شاه

فرهنگ مترقی ایران فرهنگ شاهان ایران نیست فرهنگ توده های خلق ماست که با دستهای توانای میلیونها مرد میهن ما بنیاد گشته است. آنچه اسلافا محمد رضاشاه در طول ۲۵۰۰ سال برآورد و با زور و سیم وصله و انعام خرید و از سلسله ای، از دولتی به دولتی رد نموده اند فرهنگ ارتجاعی طبقات حاکمه کورما بود. است. انوشیروان و اوزد دولت بیگانه را بر کک پیشرویی که در مقابل نثار هستی خویش میخواست. فرزندش امکا آموزش داشته باشد ترجیح میدهند. ناصر خسرو علی کک پهلایکوه و دشت متواری میگردد تا به خفت گرفتن در مقابل شاهان تن در نهد و اعوان و انصارش به جرم "ارتداد" قطعه قطعه میشوند. محمد رضاشاه بحق وارث خلف نرسی ها شاه سلطان حسین ها و ناصرالدین شاه هاست. ولی خلق ایران فرهنگی بر فنی و انقلابی دارد که زمانی راهنمای بهرام چوبینه بود و لحظه دیگر از جنبش دهقانی خرمینان سر درآورد بنیاد ای کاروانهنگر آغازین گرفتار پایه های تخت نوشیروانی را بلرزاند و بساط فرقه مهاجمان را از ایران زمین برچید. این فرهنگ در دوران سلطه پهلوی با خون کمونیستهای قهرمان و رزندگان دلار و خلق ایران آبیاری گشته در تار و پود معنویات جامعه ما رسوخ نمود موافقتا گر جنایات امپریالیستها و نوکرانشان است. فرهنگ خلق مادر میازات شوکان آرز ۳۲ و بهمن ۴۱ تجلی میکند. شهیدان دانشگاههای ایران تنها گوشه ای از مبارزات خلق و سیاست ضد فرهنگی رژیم ایران را آشکار مینمایند. بسیاری از معلمین و اساتید دانشگاهها بسیاری از نویسندگان و خبرنگاران، بسیاری از دانش آموزان و هنرمندان به شجوه های سبعمانه "امتیعی ها" اسیر گشته و یا جان داده اند.

فرهنگ ایران را در دربار سلاطین ایران تجوید بسه زندگی توده های خلق رجوع کنید که در ریاتی بیکران از فرهنگی غنی و انقلابیست.

سیاست فرهنگی رژیم ایران سیاستی ارتجاعی است. از طرف دانش آموزان را بوجه گزافی شش ساله متوسطه زمین میکند و ظاهراً حق تحصیلات عالی را با دادن دیپلم برایشان قایل است و از طرف دیگر سد کنگر را بنا مینهد و غیرال شهریه را برقرار میسازد تا عدد معدودی آتم از طبقات بالای جامعه جواز عبور کسب نمایند. روزی با تعیین حد اکثر سن روزی بسا گذاردن شهریه های کلان روز دیگر بهمهانه عدم حفظ نظم دانشگاه توده بسیاری را از حق تحصیل محروم میسازد. در حقیقت که با این برگ بجان فرهنگ افتاده است "سیاه دانش" برپا میکند و مدعی بر افتادن بیسوادی در ایران است. همینکه دولت ایران از زبان خواهر توماس شاه مدعی ساختن ۲۵۰۰ مدرسه برای یادبود جشنهای ۲۵۰۰ ساله میشود. بر واقعیت اعتراف میکند که سالها در زیر سلطه شوم پهلوی ۲۵۰۰ مدرسه کس-

اعلام میسه... بقیه از ص ۱. هیچ صفتی نیست که در خون به محمد رضاشاه افتاد داشته باشد. هیچ حزب، جمعیت سازمان، جبهه و گروهی نیست که در تاریخ ایران باقی نماند. تاریخ شهیدان تا آنجا که مربوط به قیامت در برابر رژیم پوسیده استبدادی و سچا همدت در سرنگونی آن است تاریخ مبارزات واحدی است. معتقدات سیاسی و مسلکی و مذمعی و حزبی و سازمانی شهیدان ایران هر چه بود هاست. همه آنها عملاً و نظریه عینی در جاده واحدی گام گذارده اند. در این امر بدیهی نمیتوان تردید کرد که گویا نیروهای کدبر در دشمن واحدی در ریکا دارند خواه و ناخواه و آگاهانه یا بیگانه و بیچاره است. از این جهت بسیار شهیدان باید انگیزه وحدت همه مبارزان ایران باشد.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان و طیفه "خود" میسازد که در این روز بزرگ شهیدان ایبه جمعیتها، سازمانها، گروهها و افرادی که میمانند خواستار مبارزه بر ضد رژیم محمد رضاشاهانند پیام برادرانه بفرستد و ضرورت همکاری و وحدت عمل در مسائل مشخص را تأکید کند. اکنون که سازمان امنیت و همچنین روزی و پانها مسائل میشوند که سرنگونی اید تلو و ک و سیاسی ایچساد کنند، مسایل فرضی نهضت ملی و ضد استعماری ایران را بر جسیای مسائل عمد میباشند، روشن فکران را ببحث های تجریدی و بیجا مشغول دارند و سازمان های تفرقه افکن برانگیزند. وظیفه ماست که تفرقه های شوم آنها را فاش گردانیم و همکاری و وحدت را بر جسیای تفرقه بینشاییم. این امر معنای زدودن گویا اختلاف فاضلها و های متقابل گزافه و وابستگی های طبقه ای هر یک از نیروها و برجسته آگاهی سیاسی آنها میباشد. نیست. همکاری در مسائل مشخص اکنون میتواند در میان جمعیت ها، سازمانها، گروهها و افرادی که میمانند خواستار مبارزه بر ضد رژیم باشد وجود آید. سازمان مارکسیستی - لنینیستی توان بنویسند خود پیوسته در ارتحق ایمن امر خواهد کوشید.

درود همه مبارزانی که ستارخ خلق را بالاتر و بالاتر از هر چیز میسازند.

افتخار بزرگ انان سیاسی.

تابناک با یاد همه شهیدان راه خلق.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی تولان

بوده است. این اعتراف همچنین حاکی از آنست که در حین تبلیغات کرکنند مبارزه با بیسوادی، تعداد "ناچیز" کمبود ۲۵۰۰ مدرسه را مکرم میداشته اند و روزی که در میدان تبلیغاتی دور برداشته و در رفاهی گذشته را فراموش نموده اند اعلام میدارند که تعداد مدارس به ۴۰۰۰ خواهد رسید. این اعتراف ثانوی، دیگر نیازی به تفسیر ندارد و مبین آن است که تا چه حد در دعو و خیانت غرق گشته اند. کمبود ۴۰۰۰ مدرسه داغ تنگی است بر پیشانی رژیم که میباید هزاران از قوت زحمتکشان میهن ما را خرج فسخه تخت جمشید میکند. طاعت بیسوادی، قزو بد بختی در خیانت در بار پهلوی، در سیستم حاکم بر ایران نهفته است. بر افکن بیسوادی تنها از طریق نابودی رژیم حاکم در ایران میگردد. وقتیکه ۷۰ هزار دیپلمه را بچرم دارا بودن حق تحصیلات عالی از ادامه تحصیل بطرق مصنوعی محروم میکنند و از رفتن خارج نیز جلو میگیرند، سخن تاسیس هزاران مدرسه مانند نماه اکادیب رژیم سخن بیخ و توخالی است. اما خلق هوشیار ما به این تهرات باور ندارند. واقعیتمدارس پایتخت را می بیند که اگر از نعمت میز و صندلی، یک بخاری گرم، داشتن یک تخت سیاه قابل استفاده محروم اند. او می بیند که کلاسهای ۶۰، ۷۰ نفری، شهریه های گران مغایر سینه چاک کتی رژیم برای فرهنگ و بر افکن بیسوادی است. او می بیند که ریختن خون خانعلی ها مانع ارتقا" درجه شهرستانی" ها نیست. تظاهرات سال گذشته دانش آموزان و دانشجویان جواب کوبنده ای به سیستم ضد فرهنگی رژیم ایران است. درهای بسته دانشگاهها ایران در سالی که گذشت، اشغال نظامی آنها و تیرباران دانشجویان دانشگاهها مبین سیاست ضد فرهنگی رژیم است و نه ادعای ساختمان ۲۵۰۰ مدرسه. اخذ بیبای جدید رژیم برای چند شعبه عیش و نوش که از آنها در افسانه های هزار و یکشب سخن آمده، فشار مادی و معنوی بی حدی که بر خلق ایران تحمیل نموده اند، آرامش قبل از توان است. این تافته بدست رژیم بافته، بی تردید کفن آبی او خواهد بود.

تپسگران امریکائی . . . بقیه امری
 مسکوئی و غیر مسکوئی و پتانم شمالی را پتانیه شکست قطعی نهفته تپسگران برای و پتانهای کردن جنگ و پتانم اعلام داشت .
 پتانان اخیر پتانم شمالی افکار عمومی مردم امریکارا با زهم پتانیه علیه تپسگون و علیه جنگ تجاوزکارانه روتننا پتانیه گنجه در بسیاری از شهرهای امریکانظا هرات و وسیعی علیه این افکار پتانیه تصور گرفت . بسیاری از سرپاران امریکائی که در رگ شته زید اند جنگ و پتانم پدیدند در این نظا هرات شرکت جستند . بسیاری از پاران مادران و همسران سرپاران و اسیران نظا امریکار روتننا علیه این تصمیم اخیر ولت امریکانظا هرات پدید آختند . آنها بار دیگر اعلام کردند که گناهانه که روزی خون بسیاری از فرزند ان امریکار روتننا ریخته میشود تنها و تنها بگردن جنگ افزوان امریکائی است . آنها بدین وسیله باین اطلاعیرا ادبوی و پتانم شمالی صحیحگانه آشتند که " تنها و پتانیه ترین نجات جان سرپاران امریکان است که این سرپاران از هفتاد و پتان فرخوانند مشوند و جنگ تجاوزکارانه رهنه و پتان پتان خاتمه پدیدند ."

افسانه عظیم . . . بقیه امری

چند شرکت امریکائی با مشارکت شخصی پتانم هاشم ترقی
 ۲۰ هزار هکتار
 شرکت امریکائی شل اند میچل کاتس ۱۵ هزار هکتار
 عد های دیگر از سرمایه داران امریکائی ۱۸ هزار هکتار
 شرکت امریکائی فرانسورد ۱۰ هزار هکتار
 یک شرکت بیروسلاوی ۱۰ هزار هکتار
 شرکت های نفت کورلی اصول ارتباطی با بازار داخلی ایران ندارند از آنجا که آب آرزوان زمین های پتانیه خوزستان و کسار گستران استعمارنده ایران محصول فراوان و پالی بدست می آورند بیخارج صادر میکنند . برای مثال میتوان گفت که هاشم ترقی در سال ۱۳۴۹ تخمین میزند که در سال آینده فقط ۱۶۰ میلیون تومان صادرات پنج خواهد داشت .

مجله تهران کونفیسرت چنین ادعا می دهد :
 "تاسفانند زبان پیش بینی نشده " دیگری نیز به مد محمد رضا شاه وارد آمد هاست و آن کا هش لحظه لحظه سن سد میباشند . دریاچه در طی ده سال بی شمرخون ۳۰۰ میلیون تن گل و لای را در خون فسر برد هاست و این گل و لای همد روز رسد بخود قناری آوردند بخشرد متر میشوند و تبدیل به لایه های رسوبی میگردد و از ارتفاع دریاچه میگراهند ، و اینجاست که سن ۱۱۰ ساله سد (سن پیش بینی شده آن) تبدیل به ۳۵ سال شد هاست .
 امام رومرد میزان برق سد در روزنامه اطلاعات در ۲۳ اسفند ۱۳۴۴ چنین نوشت :

" از هفت توربین سد در زکته قرار است ۶۲ هزار کیلووات نیرو بد آگوبند و در سنگانه شصت و پنج هزار کیلووات برای تولید برق مورد استفاد هاست . . . هنوز صرف برق به ۲۰ هزار کیلووات استیرسد " (بنقل از " گزارش خوزستان " نوشته آل احمد)
 سرگشت سد در سرگشت همه سد هائی است که در ایران ساخته شد هاست .
 این سد ها هم ظریفی از سلطه استعمارنوبن بر ایران اند .

از زندگی مردم

اجاره خانه در تهران همچنان سیر صعودی دارد و میزان اجاره از سال گذشته تاکنون به تقریب پانزده تا بیست درصد افزوده شده است . . . خانه هائی که مردم طبقه متوسط قادر بدیادخت گرایه آن باشند و بتوانند در آن سکونت کنند کمیاب است و همچنین میزان اجاره ای که این طبقه میدارند از قدرت و استطاعت آن خارج است . . . چن درصد از درآمد ماهانه طبقه متوسط فقط صرف بدیادخت گرایه خانه میشود . درآمد بعضی از مالکان بیش از درآمد صاحبان صنایع و کارخانه داران میباشد . (کیهان ۳۰ خرداد ۱۳۵۰)

تظا هز بمخالفت با رژیم بقیه از سن ۱
 فقط حرف مفت است . این مرد مان خود نیز به پوچی و بیبودگی اقدام خویش و اف اند ، متپنا بنظر خاصی بدان دست میزنند . هدف آنها از سد وزان ها پتانیه است که تمام جنایات سازمان امنیت را بگیرند نعت نصیری بپند ازند و از سوی دیگر بگردن در استان دیوان کشورگتا کون نصیری را بمحا کفر خوانند و مجازات نرسانند هاست نتیجه این میشود که شاه و این جنایتکار اصلی و کسی که تمام جنایات سازمان امنیت زیر نظر وی است دستور مستقیم او صورت میگردد ، کسی که احکام اعد فرزند ان سپهن مارا اضا میکند ، کسی که ستان شتسا آرتج در خون خلق های سپهن مافرورفته است در بریده میماند و تیر می شود . آساکوت در باره جنایات ها و خیانت های شاه ، شاه را هارنا زستولیت بر کاردار آشتن و گناهنا هکاری های رژیم را بدوش چاکران وی انداختن ، آرایش رژیم ، حفظ و مرست شاه رژیم وی نیست ؟

باین تیرنگ هاشم تکان گروا زشا رژیم وی دفاع میکند در عین اینکه در ظاهر خود را مدافع مخالفان رژیم چامیزند . این گروه همان هدف نیکخواه هارا دنبال میکند ولی بان ظاهرمخالفت پتان رژیم مید هد و باین شیوه زور انمیگردد مردم را فریبید و کینه خویش و مبارزه آنها را زشا ه عامل اصلی جنایات برگردد اند و در مسیر دیگری بپند ازند .
 هعکس مید اند گناه در رژیم رژیم کونی است ، نماینده هارترین و ارتجی ترین طبقات کشور ما میسازد ارضاف امریالیسم جهانی در ایران است ، همه چیز بر محور او میگردد ، همه چیز بسا اشاره و تصوب اوسته شاه انجنان استبداد سیا هائی در کشور ما حکمروا ساخته که در تاریخ و قرن اخیر ایران سابقه نداشته است . کسانی که در راس امر قرار گرفته اند مهره های بی ارزش هستند در دست او که هر لحظه کارا دمکد میتوانند آنها را بد و راه کنند ، چاکران که هر آن میتوانند بخد مت آنها خاتمه دهد . هیچ قدرتی در برابر شاه قادر به عرض اندام نیست ، نخست وزیران و وزیران روسای سازمان های مهم کشوری و لشکری آیند و میروند ولی جنایات و خیانت ها و فساد رژیم همچنان بر جای میماند .

شامسب اصلی سیه روزی و سارت سپهن ماست ، دشمن شماره ۱ خلق های ایران است ، نیرو های انقلابی ایران بد رستی شخص شاه اهدف گرفته اند و کینه مبارزه مردم بر علیه او توجیه میکنند .
 شاه جنایتکار برای مرد هاناشناخته نیست . رژیم نیست ایران از کوشش خود بخاطر زبرد نگ داشتن شاه طرفی نخواهند بست ولی مشت خود را پتان به لان امریالیسم شوروی و حماسی رژیم باز هم میشت خواهند کرد .

کمک دو یزیو نیست ها !

" اخیرا نردن سیانوک (رئیس ولت کامبوج) بمجله اکسپرس اظهار داشته است : " بنظر من روس ها خود را از سفید ها مید اند و نمیخواهند که زرد ها زیان نیرو بد بشوند . البته برای اتحاد شوروی ، شواراست که به پتانم شمالی که کشوری سوسیالیستی است کمک نکند . ولی آنچه که اتحاد شوروی به پتانم شمالی مید عد من دید هام . اتحاد شوروی هوا میاها ، موشک ها و اراش هوی پتانم شمالی مید عد من نیست . روس هایک چهارم آن چیزی را همد بمصد رده اند به هانوی نداده اند . چرا ؟ زیرا که روس هانویخواهند هانوی پیروز شود . روس ها با آنکه امکانات بسیار در اختیار دارند فقط آن اند از اسلحه که برای شرکت نخوردن لازم است ولی برای پیرو شدن کافی نیست به هانوی مید عد . بنظر من روس هانویخواهند خلق های آسیا زیان قوی بشوند . بنظر من امریکانیا روس هان زیان پرستی مشرکانند و هر دو به عقده خطو زرد کگوباد وجود چین تجسم یافته است گرفتار اند ."

روزنامه لوموند ۱۴ دسامبر ۱۹۷۱

خلق های هندوچین

خلق های سه گانه هندوچین با تحکیم وحدت خود ، با معاضدت و معاونت یکدیگر و با پایداری در جنگ تود ه ای طولانی خواهند توانست گیشه دشواری ها را از پیش بردارند و به پیروزی نائل آیند .
 مائو تسه دون

از جاله جاه . . . بقیه امری
 کشور ایران نیز در جریان افتا ، ن در زمین د های است و از سلطه سرسوق برانگیخته کینه و عصب ملی در میان خلق ها انجنان که متلازم بیروسلاوی با جزای آن مشغول است تا شاید به پتانهای برای اخله " دیکتاتوری بین المللی پرلناریا " بدست آورد و بیروسلاوی را نیز در زیر سلطه خود در آورد . امپریالیسم شوروی ، مانند امپریالیسم امریکار و بسیاری از کشورهای جهان در اروپا ، در آسیا ، در آفریقا ، در ای پانیکا هائی نظا این است ، ناوگان جنگی ، اتی و جاسوسی وی در سراسر اقیانوس ها پراکند هاست ، اینجا و آنجا بصرای خود پایگاه های دریائی دست بر میا میکند و بر تعداد آنها هر روزی افزاید به سود اگری سلطه میبرد از ، برای ارضاب کشور ها گامیها که دست بمانور های نظا این میزند . . . می بینید که این شیوه های استعماری با شیوه هائی که استعمارگران ، طی قرون گذشته ، برای تحصیل و حفظ مستعمرات توسط توسعه آنها بکار بسته اند و امپریالیسم در حال حاضر برای مقاصد نواستعماری خود بکار می بندد و سروقی تفاوت ندارد .

از همه اینها ننگین تر و تفرانگتر اینست که برای نیل بطامع توسعه و بلند خود آرمان های مقدس طبقه " کارگر با بسیاری میگردد . اگر در سابق استعمارگران با شعار هائی که کشورهای عقب ماند هان " توحش و بربریت " و انداختن آنها در راه ترقی و تمدن متصرف سرزمین های دیگران وزارت و استعمار مردم آنها میبرد آختند . امروز امپریالیسم شوروی با شعار هائی نظیر " حق ملت هاد تعیین سرنوشته خوبتر " " آزادی " " استقلال " " صلح و سوسیالیسم " حاکمیت و استقلال خلق هار ازین میگذارد . همین اتحاد شوروی گنیمت " حقوق ملت ها " بتصرف مسلحانه بخشی از کشورها کتبا ن فرمان مید هد در باره مسلح خلق فلسطین و خلق های دیگر عرب علیه متجاوز صهیونیستی و امریکائی خراب کاری میکند ، هزارویک تیرنگ برمی انگیزد تا مانع شود کشورهای عرب سرزمین های از دست گرفته خود را بساز ستانند . آزادی ، استقلال ، حق ملت هاد رقابوس شوروی چیزی جز بزرگد ن گرفتن و تخریب اسارت امپریالیسم شوروی نیست . روزی نیست های حزب تود ه ایران نیز که هواد از سلطه کامل ، همه جانبه و بیلا منافع اتحاد شوروی در ایران و کشورهای دیگرانند در واقع نقش در لان استعمارنوبن را برعهده گرفته اند .

این ننگین جزا تخاصیت است که در دنیا بی پای از جنگ برای نخستین بار تمامی ارضی یک کشور و سوارمان ملل متحد مورد دستبرد قرار میگردد و ایما ل میگردد . و این دستبرد به فرمان امپریالیسم شوروی و پاک نظا وی و تحقیقی پذیرد . هیچیک از امپریالیست هان تا کون گتا خشی و بی پروائی راتا این درجه بالا نبرده اند . باید به روزنامه " لوموند " چاپ طرابلس حق داد که می نویسد : " اتحاد شوروی امپریالیست ترین کشور هاست . . . ما دیگر نمیتوانیم به صداقت اتحاد شوروی و قبی که صهیونیسم و تجاوز امریکار در آسیای جنوب شرقی محکم میکند باورد داشته باشیم "

از نشریات جدید توفان :

چند سفسطه و یزیو نیستی

بها : معادل ۲۰ ریال

ازید پترانه . . . بقیه امری
 ۱ کرد بود که " خلیج فارس در مقابل مد پترانه در ذرفاکی کیهان های نفتی است " و امپریالیستها که دیگر نمیتوانند بشیوه های گذشته عمل کنند پاسداری از این در را بیزانند ارجحی یعنی محمد رضا شامی سیارند . همین نویسنده (۱۱ دسامبر ۱۹۷۱) بصراحت نوشته بود : " کشورهای کیهانیه بین المللی که هفت گشته ، ایران را با شغال جزایر حاکم بر تگته " هر روز را نگنختند . باین طریق مبعین کردند که ای باید بعنوان زاندر خلیج فارس چاشمین انگشتان کرد ."
 " گاشته کشورهای کیهان های بین المللی یعنی امپریالیستها " و " زاندر خلیج فارس " — چنین است عنوان " قنخار آمیزی " که حتی جراند بورژوازی نظیر لو موند نیز از اعطای آنها به محمد رضا شاه خود در ای نکردند .
 اما امپریالیست ها بیبهد بمتربسک محمد رضا شامی را به بالای " در ذرفاکی " خویش آویخته اند . سرتیزه رژیم کرد تا هر چه بیشتر و سازمان امنیت هر چه رنده تر باشد سقوط وی سهمگین تر و انقلاب ایران بردانه تر و صیقی تر خواهد بود و بیروز و خلسق ایران بکله خلق های غرب خلیج فارس را از زاندر برای خواهد زد و دهگان تون تسخیر نماید بر آزاد ی و موملر اسی بدل خواهد کرد .

